

بررسی مبانی جهان‌شناسی الگوی پایه اسلامی – ایرانی پیشرفت

# سنت‌های الهی، قوانین پایه حاکم بر مناسبات عالم

تحلیل
محمدحسن صادقبور

# الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیش‌تر در صفحه اندیشه به بررسی مبانی جهان‌شناختی اشاره شد که در متن الگوی پایه پیشرفت اسلامی – ایرانی که اخیراً توسط رهبر انقلاب ابلاغ گردید به چشم می‌خورد. چهار عبارت مندرج در موضوع هستی‌شناسی عبارت‌اند از: ۱- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است. ۲- نظام علی- معلولی بر جهان حاکم است. جهان مادی در طول عالم ماوراست و عوامل مؤثر در آن منحصراً به علل مادی و طبیعی نیست. ۳- جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد. ۴- خداوند جهان‌مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آیدکننده آن است، قرار داده که در صورت پیر برداری کار آمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است. از میان موارد بالا شش‌ری در دو مورد نخست رفت و در این یادداشت مبانی اعتقادی شیعه در خصوص دو بند انتهایی این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

■ ■ ■ ■

**■ واکنش جهان به کردار آدمی بر اساس سنت‌های الهی**
در بررسی جهان‌شناسی اسلامی و قرآنت انقلاب اسلامی از پدیده‌های هستی‌پید که قانون‌علیت از جمله قوانین عام طبیعت است که بر اساس آن رخدادهای نظام هستی رقم می‌خورد. یکی دیگر از اعتقادات هستی‌شناسانه در این نظام معرفتی اعتقاد به وجود سیستم «کنش واکنش» یا «اثر و باز اثر» است که به وجود اثراتی در قبال هر عمل معتقد است. همانگونه که فیزیک نیوتونی می‌کوشد برای هر نیرو یا کنش، نیرویی متقابل در همان اندازه بازگشتی به واردکننده نیرو وارد می‌سازد. مشابه همین چارچوب در عالم ماده و فرماده به عنوان آثار و پیامد وضعی اعمال مطرح شده است. به عبارتی هر عملی از خوب و بد، اثر وضعی دارد که در کوتاهمدت یا درازمدت خودش را نشان می‌دهد. این یکی از حکمت‌های خداوند بی‌تفاوت نیست و مقابل تک و بد اعمال انسان واکنش از خود نشان می‌دهد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و لو اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم بر کات من السماء و الارض» «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌اورند و تقوا پیشه می‌کردند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.» (اعراف) – ۹۶ که این آیه شریفه حکایت از ارتباط میان کردار آدمی و رفتار نظام هستی دارد. این واکنش اعمال انسان صرفاً مختص سرای آخرت نیز نیست و در همین دنیا آثار این کردار به گونه‌های منعکس می‌گردد.

از میان واکنش‌های شهود و آثار قابل مشاهده گناه حسب روایات اسلامی می‌توان به مواردی از جمله «فساوت قلب»، «توبه باران»، «قطع باران»، «کوتاهی عمر»، «فسردگی و اندوه»، «فقر عمومی» و… اشاره نمود. در واقع همین آثار وضعی نیز طبق قاعده قانون علیت عمل نموده و رابطه علت و معلولی متناسب با فعل انجام شده دارند. یعنی معلول رفتار و نتیجه طبیعی آن هستند و در شالوده قانون طبیعت مستتر هستند (و نه ناشی از خرق عادت در قوانین طبیعی)، یعنی به عنوان مثال در نوع نگرش اسلامی به عالم هستی، افزایش طول عمر بر اثر صلح‌آمیز، همانقدر طبیعی و محتمل است که زوال عقل یا کید بر اثر شرابخواری.

برخی این اشکال را وارد نموده‌اند که برخی کيفرهای نامبرده شده در روایات به عنوان اثر وضعی گناه، تناسبی با اصل گناه ندارند و نسبت به عمل صورت گرفته بسیار سنگین هستند. شهید مطهری (ره) در همین زمینه و پیرامون تناسب جرم با کيفر جرائم در سیستم جهان هستی، آن را بر پایه روابط علی و معلولی می‌داند که در چنین نظامی، تناسب جرم و مجازات موضوعیت ندارد بلکه قانون علیت حکمفرماست: «اثر ذاتی گناه، کيفر قانونی نیست تا گفته شود که باید تناسب جرم و مجازات در آن رعایت گردد، اگر کسی خواهی گناه کند، ربنودش و به اندرز نصیحتگو اعتنا نکند ستمی مردم، مردن، نیتجه

آفرینش، یک قرارداد و اعتبار نیست، زیرا از چگونگی هستی اشیا انتزاع شده است و به همین دلیل، تبدیل و بیچاره فقط پنج دقیقه مر تکب جرم شده چرا به کيفر مرگ مبتلا شد و هستی خود را از دست داد؟ اگر به کسی بگویند خود را از فله کوه پرت نکن و گرنه نابود می‌گردد، حق ندارد اعتراض کند و بگوید چه تناسبی هست میان خیر هسری من و این جزای شاق. اینجا حساب علت و معلول است. سقوط از کوه یا نوشیدن زهر، علت است و نابودی معلول آن است. اثر آن‌علت‌ها این است و جز این نتواند بود.»

**■ نظام واکنش هستی بر اساس سنت‌های الهی**

همانگونه که در الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت آمده است، این نظام واکنش هستی به رفتار آدمی بر اساس مجموعه‌ای از سنت‌ها محقق می‌شود که قوانین پایه در نظام آفرینش به حساب آمده و تغییرپذیر هم نیستند: «لَا يَجِدُ لَسُلْطٰنًا تُعْوِيْلًا» (اسراء/ ۷۷). به عبارتی نظام سنن الهی اصلی‌ترین قوانینی است که نحوه تعامل انسان و جهان هستی را تبیین می‌نماید و هر آنچه بر سر نوشت بشری و جوامع رخ می‌دهد، حساب شده و طبق همین موازن است. شهید مطهری در تبیین ضرورت این سنت‌ها در نگاه قرآنی می‌فرماید: «قرآن کریم این گمان را که اراده‌ای گزاف کار و مشیت‌بی قاعده و بی‌حساب سرنوشته‌های تاریخی را دگرگون می‌سازد به شدت نفی می‌کند و تصریح می‌نماید که قواعدی ثابت و تغییرناپذیر بر سرنوشته‌های اقوام حاکم است.»

در واقع آنچه ما از آن تعبیر به سنت می‌نماییم، همان قوانین علی حاکم بر طبیعت هستند. البته لفظ قانون در اینجا به عنوان قراردادی بین طرفین مناسب نیست و سنن الهی وجه قراردادی ندارند و به دلیل انتساب آنها به نظام علت و معلولی، صرفاً مفاهیمی انتزاعی نیستند. به تعبیر شهید مطهری: «سنت و قانون، چیزی نیست که آفرینش خاص و خلقت جداگانه‌ای به آن تعلق بگیرد. قانون، یک مفهوم کلی و انتزاع ذهنی است و در خارج به شکل کلیت و قانون بودن وجود ندارد. آنچه در خارج وجود دارد همان نظام علت و معلول و در جات و مراتب وجود است که در ذهن ما تجرد می‌یابد و انتزاع می‌شود و به صورت «قانون» منعکس می‌گردد. هستی در جاتی دارد و هر درجه آن موقعیت ثابت و مشخصی دارد. تصور ندارد که علتی موقعیت خاص خود را به دیگری بسپارد یا معلولی از جای خود نقل مکان کند و همین حقیقت است که اینگونه تعبیر می‌شود: «جهان قانون دارد.» پس قانون

بر سرنوشته‌های اقوام حاکم است.»
سنن‌های مطلق به آن دسته از سنت‌ها گفته می‌شود که قانون‌های اساسی در آفرینش انسان به حساب می‌آیند و همه انسان‌ها شمولیت دارند و هیچ سنت دیگری بر آنها حاکم نمی‌گردد (دستخوش تغییر نمی‌شوند). در مقابل سنن مقید الهی وجود دارند که تحت‌قشمان منوط به مقدماتی است که اگر انسان آنها را فراهم نماید روی می‌دهند این سنت‌ها قابل تغییر و تبدیل بوده و برخی از آنها بر دیگری در شرایطی تقدم دارند.

برخی از سنت‌های مطلق الهی عبارت‌اند از:

۱- سنت آفرینش به احسن وجه: در نگاه قرآنی انسان به بهترین و نیکوترین وجه ممکن آفریده می‌شود: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» و در تفسیر صدرایی از نظام آفرینش این کمال و احسنیت وجه در تمام موجودات وجود دارد و به عبارتی همه موجودات در کمال مرتبه وجودی خود قرار دارند.

۲- هدایت تکوینی موجودات و هدایت فطری انسان نیز از جمله سنت‌های حاکم بر نظام طبیعت هستند. خداوند در آیه شریفه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ دُعِيَ» در سوره طه به هدایت تکوینی اشاره نموده است. همچنین وعده گرفته شده توسط خداوند از انسان در عالم در: «الَسَّبْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ»؛ اعراف/ ۱۷۲ توسط اغلب مفسران تعبیر به هدایت فطری انسان (روحیه فطرا ت خداجوی موجود نهاده‌پند شده در انسان) اشاره نموده است.

۳- سنت آزمایش: از سنت‌های قطعی خداوند است.

سیستم هستی به گونه‌ای تنظیم شده است که انسان‌ها به عنوان تنها موجودات دارای اختیار، مورد آزمایش الهی قرار گیرند. به همین نسبت جوامع نیز مورد آزمایش

# اندیشه

دکتر حسینعلی رضایی



## جایگاه فرهنگ در نظام موضوعات کلان

سر لطف و دلسوزی جلوی آن پرت می‌کند. آری! فرهنگ در جوامع قدرت و ثروت‌زده به دلیل فقر فرهنگی یتیمی را ماند که هر کس از سر مهر دستی بر سرش می‌کشد و بعد رهایش می‌کند.

جالب اینجاست که فرهنگ در سازمان‌هایی که تصدی امر فرهنگ و به اصطلاح عمق بخشی آن را در مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر عهده دارند نیز حداقلی از بودجه و امکانات را به خود اختصاص می‌دهد. با تأسف می‌توان بیان کرد که جریان بازی قدرت است که تعیین‌کننده جایگاه فرهنگ در درون سازمان و برون‌سازمان خواهد بود. حال در کوتاه یا بلندمدت چه بر سر فرهنگ جامعه می‌افتد، بماند.

**■ فرهنگ به مثابه هسته مرکزی موضوعات کلان**
فرهنگ در نظام موضوعات و در تناسب با اجزای سیستمی جوامع به عنوان هسته مرکزی رابطه‌ای من ووجه دارد؛ بدین معنا که در ترکیب فرهنگ با ابعاد دیگر نظام موضوعاتی را، به ما خواهد داد که عبارت‌اند از: ۱) فرهنگ اقتصادی؛ ۲) اقتصاد فرهنگی؛ ۳) فرهنگ اجتماعی؛ ۴) اجتماع فرهنگی؛ ۵) فرهنگ سیاسی و ۶)سیاست فرهنگی.

این شش موضوع در سطوح و لایه‌های فرهنگ در یک ماتریس و مختصات نموداری اما در نگاه الهی و معنایی هویت دینی است

که محاط بر همه ابعاد می‌باشد. جهت‌دهی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر عهده هویت دینی بوده و فرهنگ، ساخت اصلی شکل‌گیری مناسبات دیگر ابعاد خواهد شد.

فرهنگ آن روح حاکم بر روابط ابعاد و وجودی انسان‌هاست. البته باید متذکر شد که فرهنگ در دو نگاه مادی و الهی قابل تعریف و تمیز خواهد بود و چه بسا ابعاد دیگر در این دو نگاه هویتی جدید به خود گیرند. با غلبه رویکرد مادی که بعد اقتصاد و سیاسی نظر دارد و به عنوان زیرساخت بدان‌ها نگرسته می‌شود، اجتماع و فرهنگ مخلوب و رونمای حرکت انسان‌ها در درون جوامع قرار می‌گیرد. جریان ثروت و قدرت موجب ایجاد، تثبیت، رشد و بر هم کش ساختارها، قواعد، هنجارها و در نهایت روابط بین‌الافراد است. بین‌الاجتماعی می‌شود. میزان تراکنش ثروت و قدرت در بازه زمانی و مکانی، تعیین‌کننده هویت و وحدت یک جامعه مادی زده است. در سوسی دیگر فرهنگ در راستای احیای انسجام و وحدت اجتماعی نقش آفرینی کرده و جریان ثروت و قدرت را مدیریت می‌نماید.

برای نمونه ایسن نکته که «هدف وسیله را توجیه نمی‌کند» نشان‌دهنده غلبه فرهنگ بر جریان قدرت و ثروت است. **■ فرهنگ در نگاه سیستمی**
در نگاه سیستمی باید دید که جایگاه فرهنگ را به عنوان ساخت کلی در نسبت با ابعاد دیگر تعریف می‌کنند یا به عنوان ثقل و هسته سیستم (Core System) به آن می‌نگرند. در نگاه اول که فرهنگ به مثابه یک امر غالب و روح حاکم عمل می‌کند در اهمیت و جایگاه آن در نسبت‌سنجی با دیگر ابعاد سخن به میان می‌آید. اما در نگاه دو وقتی فرهنگ به عنوان ثقل و هسته قرار می‌گیرد جهت جریان ابعاد دیگر را به سمت و سوی خود یا طبیعت رهنمون می‌سازد. در این نگاه فرهنگ به مثابه ابعاد دیگر مدیریت‌پذیر خواهد بود و در حاشیه قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر فرهنگ چه به عنوان امری محاط بر ابعاد دیگر و چه به عنوان هسته مرکزی اجزای سیستمی باید در برنامه‌ریزی کلان مدیریتی قرار گیرد.

فرهنگ در اندیشه مادی در حاشیه و در کنج یک جامعه قرار می‌گیرد. سطح آن چنان تنزل داده می‌شود که دیگر نه قابل مدیریت‌پذیری است و نه صلاحیت و شأن حضور و بروز در مناسبات دیگر ابعاد دارد. فرهنگ در مناسبات قدرت و ثروت به مثابه یک امر عرفی زده (Secular) که مردم می‌توانند بر اساس ذائقه خود بدان فرم و شکل دهند نگرسته می‌شود. در بازی قدرت و ثروت، برنامه‌ریزی و تخصص بودجه و منابع سالانه در حوزه فرهنگ، چنان می‌نماید که اصلاً وجود ندارد یا باید نادیده گرفته شود. در این جوامع فرهنگ چنان تحیف است که هر رهگذری به آن نشانشان می‌دهد. برنامه‌ریزی و تخصص بودجه در فرهنگ، سبب‌دهی و اهمیت قابل شدن امر فرهنگ در یک سیستم می‌باشد. چنانچه فرهنگ در گردونه بازی قدرت مثل یک توب فوتبال از یک گوشه‌ای به گوشه‌های دیگر پرت شود، نشان از بی‌نشانی آن دارد. اگر فرهنگ در بازی قدرت مجروح و شهید شود فاتحه آن سیستم خوانده است. اینکه با نگاه تعدیلی هر چه می‌توان از فرهنگ زد و به دیگر ابعاد داد، نشان از بی‌تدبیری تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دارد.

در این اوضاع باید اندکی تأمل اندر مظلومیت فرهنگ داشت و بیان داشت که: «کی گفته حق با حق است؟ همیشه و همه جا حق با قدرت و ثروت است و لاغیر!»

مبنای حرکت، تعامل و ار تباط انسان‌ها با یکدیگر بر اساس رویکردهای مختلف شکل می‌گیرد. این رویکردها باعث تعریف و اولویت‌بندی نیازها، تعیین خط و مشی، تشخیص قواعد و هنجارها، اخذ روش، بهره‌گیری از تکنولوژی، ابزار و... خواهد شد. رویکردها عاملی بر آمده از غلبه یک بعد بر ابعاد دیگر است.

**■ رویکرد به فرهنگ؛ مادی یا معنوی**

رویکردهای عمده‌ای که می‌توان شمرد عبارت‌ند از رویکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

هر یک از این رویکردها که نشان‌دهنده غلبه یک بعد بر ابعاد دیگر است موجب شکل‌گیری مفهومی بنیادی و کلیدی به عنوان نقطه می‌شود. در رویکرد اقتصادی تمام مناسبات بر پایه مفهوم کلیدی ثروت و منفعت شکل می‌گیرد. در رویکرد سیاسی تمام حرکت‌ها و روابط بر اساس کلیدواژه قدرت بنا می‌شود. در رویکرد اجتماعی مبنای حرکت دیگر ابعاد، در محور مفهوم وحدت خواهد بود و در نهایت در رویکرد فرهنگی مفهوم کلیدی هویت است که مناسبات و جهت حرکت یک جمعیت، گروه، سازمان یا ملت را شکل می‌دهد.

در نگاه مادی رویکردهای غالب بر اساس ثروت، قدرت و وحدت اجزای سیستمی است، اما در نگاه الهی و معنایی هویت دینی است که محاط بر همه ابعاد می‌باشد. جهت‌دهی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر عهده هویت دینی بوده و فرهنگ، ساخت اصلی شکل‌گیری مناسبات دیگر ابعاد خواهد شد.

۵- دفاع خداوند از حق و سرکوب باطل و نیز پیروزی نهایی مومنان از دیگر سنت‌های حاکم بر نظام هستی است که در تحویل‌ناپذیری آن به حکم آیات و روایات شکی نیست. این که زمین در آپسین گام خود در هر دوره به وراثت مستضعفین می‌رسد «ان الارض لیرثها عبادی الصالحین» از مواردی است که مسلمانان به عنوان سنت مسلم الهی پذیرفته‌اند. ۶- سنت مرگ و اجل حتمی: طبق این سنت در جهان مادی مرگ و فقای همه موجودات حتمی است و نامیرایی وجود ندارد. «کل من علیها فان» (الر حمن/ ۲۶) البته اینکه اجل الهی به زمان به هر موجود تعلق بگیرد به سایر سنت‌های حاکم بر روابط علی پدیده‌های گیتی وابسته است.

همانگونه که اشاره شد، اینها نمونه‌ای از سنن مطلق الهی هستند که بر نظام هستی طبق جهان‌بینی اسلامی حاکمند. علاوه بر اینها حتماً سنن مطلق دیگری بر پایه علیت بر جهان مرتب است که به وسیله آن وقوع همه پدیده‌های عالم تبیین می‌شود و تفسیرپذیر است و بسیاری از آنچه شاید نتوان با منطق موجود و شناخته شده بشری تفسیر کرد را نیز توجیه می‌نمایند.

از میان سنن مشروطو الهی نیز می‌توان به مواردی اشاره نمود که بر اثر گناه گنه‌کاران یا فعل نیک مؤمنین قابل تحقق است. از آن جمله هدایت خاص مومنان است که به افراد با زمینه هدایت تعلق می‌گیرد. آیه شریفه «و الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبیلنا» (عنکبوت/ ۶۹) به همین موضوع اشاره دارد. عدم سلطه شیطان بر مؤمنین از دیگر سنت‌های مشروط به بندگی خداوند است: «إنّ عیادی لیس لکّ علیهم سلطانٌ (حجر/۴۲). دیگر سنت قابل اشاره

برای نیکوکاران؛ سنت زیادت و افزایش نعمت برایندگان مشکور و سپاسگزار است: «لئن شکرتم لآزیدنکم.» در سوی مقابل سنت‌های مربوط به اعمال بدکرداران نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

این سنن الهی، سنت‌هایی هستند که پروردگار بلندمرتبه آنها را در مورد کافران روا می‌دارد و به شرح زیر هستند:

۱- اتمام حجت: خداوند با همه مردم به واسطه «خاری که از ناحیه انبیا به آنان رسیده اتمام حجت نموده است. ۲- امداد در جهت افزایش ضلالت: همانطور که افراد مؤمن در جهت هدایت بیشتر از سوی خداوند همراهی می‌شوند کفار نیز بنا به سنت الهی بر گمراهی‌شان افزوده می‌گردد و ابزار در اختیارشان قرار می‌گیرد تا زمانی که خداوند این مهلت را به ایشان برای افزایش گناه دهد. آیه شریفه «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ لَ یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ»؛ در سوره صف و نیز آیه شریفه «و الذّٰین کذّبوا بآیاتنا سنّسنّدرجّهم من حیث لا یعلمون و أمّلی لهم إنّ کیدی متّینٌ» اعراف/ ۱۸۲/ و ۱۸۲ به همین موضوع اشاره دارند.

این سنت را با نام «املا» و استدرج» نیز می‌خوانند. ۳- سنت املا: خداوند با هدف برخی از مصالحی که ما به همه آنها وقوف نداریم، در عقوبت اهل باطل تعجیل نمی‌کند و به آنان فرصت و مهلت می‌دهد، شاید از حکمت‌هایی که این سنت را در تعلق روابط علی هستی قرار داده این باشد که همه یا بعضی از آنان شیعیان و نادم

شوند و باز گردند و توبه کنند یا از نسلشان انسان‌هایی حق طلب و مؤمن و صالح پدید آیند. ۴- ابتلائی گناهکاران به مصائب: در صورت عدم تعلق فعل یا شرایط املا» و استدرج و سنت امهال ممکن است ابتلا بر اثر گناه به مرتکبان این افعال تعلق گیرد.

اینها نمونه‌هایی از سنن شناخته شده الهی هستند و قطعاً بسیاری از این سنت‌های حکم بر نظام هستی برای انسان ناشناخته مانده است.